

سمینار سالانه زنان ایرانی در آلمان در تاریخ ۲۲-۲۴ نوامبر ۲۰۰۲ در شهر هامبورگ با شرکت ۱۶۰ نفر برگزار شد. در سمینار امسال، شرکت کنندگانی نیز از کشورهای هلند، سوئد و فرانسه حضور داشتند.

سرآغاز کار سمینار خوش آمدگویی و سپس اعلام یک دقیقه سکوت به یاد تمامی

جانباختگان راه آزادی و عدالت اجتماعی بود. در این ادای احترام، یاد زنانی که زندگی خود را در راه این آرمان‌های شریف بشری نهاده بودند گرامی داشته شد. برنامه با معرفی گروه‌ها و تشکل‌های زنان شرکت‌کننده ادامه یافت. سخنران اول خانم "زمان مسعودی" بود که گفتارش را با تیتراژ "تبعیض جنسی از منظر تعلیم و تربیت" آغاز نمود. وی با بررسی جامعه، نقش تاثیر محیط، تعلیم و تربیت، مقررات، آداب و رسوم، جایگاه زنانه و مردانه از پیش تعیین شده و انتقال آن به کودک توسط مادر و عوامل دیگر در جامعه در نوجوانی، جوانی و بزرگسالی برای شکل‌گیری هویت فردی را مطرح نمود.

خلاصه‌ای از سخنرانی خانم "زمان مسعودی":

نقش بیولوژیک زنان آن نقشی نیست که بعداً به زنان نسبت داده می‌شود. جنسیت تحت تاثیر محیط شکل می‌گیرد، نه آن نقش ذاتی که زنانه و مردانه نامیده می‌شود. طبق تحقیقات زیادی که در سراسر جهان صورت گرفته است، هدف از تربیت دختران ایفای رل مادرانه، خودکم بینی، زیبا و خوشرو بودن، مهربانی، فداکاری و از خودگذشتگی است. مطیع بودن، مطلق دختران در زمان کودکی، باعث ناراحتی‌های جدی روحی - روانی و تغذیه‌ای در دوران بلوغ می‌شود. از سوی دیگر ایران خشونت از طرف پسران در بازی‌های کودکانه نسبت به دختران طبیعی جلوه داده می‌شود و به دختران اجازه خشونت‌های مشابه داده نمی‌شود.

یکی دیگر از ابزارهای تعلیم و تربیت جنسی به کودکان، استفاده از اسباب بازی‌ها، کتاب‌ها، فیلم‌ها و... است. وسایلی مانند وسایل آشپزخانه، خانه داری، عروسک و... برای دخترچه‌ها و اسباب بازی‌هایی مثل ماشین، هواپیما،

اسلحه، ابزارکار حرفه‌های فنی برای پسران در نظر گرفته، پیشنهاد و تشویق می‌گردد. توجه

نقش فعال زنان در غلبه بر تبعیض جنسی

گزارشی از «سمینار سالانه زنان ایرانی در آلمان»

کمیسیون زنان سازمان اتحاد فداییان خلق ایران

کافی به اکثر کارت‌ها و سریال‌های کودکان، این صحبت را تایید می‌کنند. معمولاً نقش دختران در این برنامه‌ها، منفعل، ترسو و... است و بالعکس پسر، قوی، شجاع و همیشه نجات‌دهنده دختران می‌باشد.

در آخر نقش‌های کلیشه‌ای، نقشی که عمدتاً جامعه و نرم‌های جامعه از زنان انتظار دارند به سه عرصه خلاصه می‌شود:

- نقش اجتماعی - انسانی زن (شغل‌های "زنانه": پرستاری، معلمی، خدماتی، آشپزی، کودک‌یاری، پرستاری از سالمندان و...)

- انجام کار خانگی (به نحو احسن)

- ارضای جنسی جنس مخالف که بدین منظور باید اشاره به انواع و اقسام لوازم آرایشی، جراحی‌های زیبایی و تناسب اندام و نقشی که از زن در تبلیغ انواع کالاها ارائه می‌شود.

به بیانی به زنان از کودکی به طور مستقیم و غیرمستقیم آموزش داده می‌شود که زیبایی و خوشرویی و تناسب اندام، نه برای خود و احساس رضایت داشتن از خویش، بلکه برای خوشامد و رضایت و تمایل جنس مخالف است. در همین راه است که شرکت‌ها و کمپانی‌های بزرگ بین‌المللی، سالانه از طریق تبلیغ و ترویج مد و لوازم آرایش و غیره به میلیاردها دلار سود دست می‌یابند.

خانم "سوسن یوسفی"، سخنرانی خود را تحت عنوان "محدودیت‌های زنان در فعالیت‌های اقتصادی - اجتماعی و رابطه آن با تبعیض جنسی" ارائه نمود. ایشان به تقسیم اجتماعی کار بر

برنامه و مطالبات خود را روشن سازند. در غیر این صورت بدون نقش یافتن در قدرت سیاسی، خواسته‌های زنان بار دیگر جزو مطالباتی خواهند شد که باید از دیگران تمنا کنند.

هدف از قدرت‌یابی زنان آن است که آن‌ها بتوانند مشارکت فعالی در تصمیم‌گیری‌ها در حوزه‌های مختلف اجتماعی مانند آموزش، اقتصاد، سیاست و نیز در قلمرو خانواده بدست آورند. چنین خواستی با حضور متشکل زنان است که مادیت پیدا خواهد نمود. در همین رابطه است که تاکید

می‌کنم زنان به تشکل‌های مستقل خود نیازمندند. با این وجود نباید فراموش کرد که صرف تشکلی چنین تشکل‌هایی هدف نبوده بلکه آن‌ها باید در خدمت مجموعه جنبش زنان و اهرم فشاری بر قدرت سیاسی باشند. این تشکل‌ها در راستای تامین حقوق و آزادی‌های زنان به مثابه شاخک‌های مورد اطمینان برای تداوم و گسترش مطالبات آن عمل خواهند نمود.

بحث استقلال جنبش زنان (نه تشکل‌های زنان)، نسبی است. بدین معنی که این جنبش در طرح مطالبات خود مستقلاً عمل می‌کند و راه و روش آن را خود تعیین و پیش می‌برد و از سوی دیگر سرنوشتش و میزان موفقیتش در بدست آوردن مطالباتش، بستگی مستقیم به سطح پیشروی دیگر جنبش‌های عدالت خواهانه و موفقیت آن‌ها دارد. به دیگر سخن، جنبش زنان در رابطه‌ای تنگاتنگ با دیگر گروه‌ها و اقشار اجتماعی و جنبش‌های آن‌ها قرار می‌گیرد و قدرت و ضعف آن جنبش‌ها بر جنبش زنان و بالعکس تاثیر خواهد داشت. ما زنان باید در ادامه حیات و سرنوشت دیگر جنبش‌های اجتماعی خود را دخیل و تاثیرگذار بدانیم. جنبش زنان و فعالین آن نمی‌بایست تحت عنوان حفظ استقلال از کنار دیگر نیروهای اجتماعی بی تفاوت بگذرند.

در میزگرد "جنبش زنان، مطالبات و اشکال سازمان‌یابی آن، پاسخی به نابرابری جنسی"، خانم‌ها "سیمین بصیری"، "پروین ثقفی"، "شادی امین"، "آذررخشان" از آلمان و "پروانه قاسمی" از فرانسه شرکت داشتند.

این میزگرد اساساً به بحث در

بودن موقعیت فرودست زنان و تفاوت‌های موقعیت شغلی زنان را مورد بررسی قرار داد.

وی در ادامه بحث‌اش، بر پیوند مبارزه طبقاتی و جنسیتی زنان و نقش سیستم سرمایه‌داری به عنوان حامی و بازتولیدکننده مردسالاری و ذی‌نفع بودن این سیستم از آن‌ها را مورد تاکید قرار داد.

تحلیل و بررسی جنبش زنان و رابطه آن با دیگر جنبش‌های اجتماعی - انقلابی - مشروطه تا انقلاب بهمن "موضوع سخن‌ران بعدی، خانم "سیمین اصفهانی" بود. ایشان عنوان داشتند:

زنان علی‌رغم نقش برجسته خود در تمامی جنبش‌های رهایی‌بخش تاریخ معاصر ایران، به دلیل فقدان آگاهی و سازماندهی مستقل خود، جهت مبارزه و درخواست مطالبات ویژه جنسیتی خود، همواره نقش حاشیه‌ای و صرفاً به عنوان نیروی تقویت‌کننده دیگر جنبش‌های اجتماعی طرح بوده‌اند و به همین خاطر نیز از دستاوردهای آن طرفی نبسته‌اند.

امروز که اولین مانع رشد و حرکت جنبش‌های مستقل در ایران حکومت مذهبی جمهوری اسلامی است، رژیم‌ها که مانع هرگونه تشکل حق طلبانه اقشار اجتماعی و از جمله زنان می‌باشد، جنبش زنان همراه با دیگر جنبش‌های اجتماعی، باید به تعیین تکلیف قطعی با دولت و سیمای سیاسی آن بپردازند. یعنی، میلیون‌ها زن در ایران که بدون شک در تحولات آتی شرکت و نقش تعیین‌کننده‌ای خواهند داشت می‌باید از هم اکنون



مورد شکل‌های متفاوت سازمان دهی پرداخت که چه تشکیلاتی، آیا جمع‌های کوچک و سیال، تشکیلات سراسری، تشکیلاتی رزمنده با پرنسپ‌های قدرتمند، کدام یک، شکل مناسب سازمان دهی زنان در خارج از کشور خواهند بود؟

در این بحث به دوستی و همکاری بین زنان، به نقش و نفی نخبه‌گرایی در جنبش و تشکل‌های زنان و جایگزین کردن آن با روابطی عادلانه و دموکراتیک پرداخته شد. بحث مبارزه طبقاتی از بحث‌هایی بود که در این میزگرد حساسیت‌هایی را برانگیخت. نظری برای این اعتقاد بود که تنها مبارزه طبقاتی قادر است تمام مسائل اجتماعی را حل نماید و بورژوازی تنها عامل ستم جنسی بر زنان است. نگرش دوم که به نظر می‌رسید از تمایل اکثریت جمع شرکت‌کنندگان در میزگرد برخوردار است، ستم جنسی را فراطبقاتی می‌دید. نظری نیز برمنافع عمومی زنان تاکید داشت و استقلال آن را در چهار عرصه: حق تعیین سرنوشت، آموزش و اشتغال، خانواده و

آزادی‌های جنسی (حق زن بر بدن خود، سقط جنین و ...) بسیار مهم می‌دانست. پایان بخش برنامه، قسمت هنری سمینار، روخوانی نمایشنامه "آواز مده آ" نوشته و اجرای خانم "هایده ترابی" بود که مورد استقبال خوبی قرارگرفت.

در بروشور معرفی این نمایشنامه چنین آمده بود: این متن در سال ۱۹۸۹-۹۹ تحت تاثیر محاکمات و اعدام‌های زنان در آمریکا نوشته شد و با بازیگران کانادایی در فستیوال تابستانی تورنتو در سال ۹۹ به روی صحنه رفت.

قصه‌های زندگی این زنان که دست به جنایت‌های هولناکی زده اند خوراک روزنامه‌ها و دیگر رسانه‌های گروهی است. بدون این جنایت‌های افسانه‌ای، بینندگان کانال‌های تلویزیونی و خوانندگان روزنامه‌های بولوازی، دچار بی‌حوصلگی و کسالت خاطر خواهند شد. جنایت هرچه فجیع‌تر، جنجالی‌تر و جذاب‌تر!

این نکته در امر درام نویسی هم صادق است. تراژدی نویسان

بزرگ عهد کهن نیز جنجال‌های اسطوره‌ای را مایه کار دراماتیک خود می‌کردند. چنان که "آوری پید"، نمایشنامه نویس یونانی نیز خوب می‌دانست که جذابیت تراژدی وی دوچندان می‌شود اگر که قاتل، زنی باشد و قربانیان، کودکانی بی‌گناه.

چیزی که به تصور نمی‌آید و بعید می‌نماید در روایت وی اتفاق می‌افتد. "آوری پید"، آمیختگی عشق و نفرت در اسطوره "مده آ" را تقویت می‌کند و از او جنایت کاری درک شدنی و سمپاتیک می‌سازد.

"مده آ"ی جادوگر در روایت او، عاقبت به خیر می‌شود و از مرگ و خواری می‌رهد.

در "آواز مده آ"، تبه‌کار اما زنی این جهانی، قربانی و از پیش بازنده است. او به حد کافی استعداد دارد تا از خود جنایت کاری نفرت‌انگیز و کریه بسازد. صدایش آواز مرگ است... اما این آواز مهر، دیگر از کجاست؟ چرا "لکاته" صدایش می‌لرزد؟ چرا زانو می‌زند و صلیب می‌کشد؟ چون قدیسه‌ای از جهانی دیگر؟ ...

چرا این جنون و جنایت بر ما چیره می‌شود؟ در روز پایانی سمینار، هر یک از گروه‌های کاری که شامل جمعی از داوطلبین بحث‌های ارائه شده و سخنران آن‌ها بودند جمع‌بندی کار خود را ارائه دادند.

انتخاب موضوع و محل برگزاری سمینار آتی، آخرین قسمت سمینار سالانه ۳ روزه زنان ایرانی در آلمان بود.

"چگونگی سازمان دهی، ساختار و اهداف جنبش زنان" (تعیین سمت و سوی حرکت‌های عملی و مشترک فعالین جنبش زنان)،

"تنوع و گوناگونی خواسته‌های زنان، چگونگی همکاری مشترک آنان حول خواسته‌های معین"، "درک ما از جنبش توده‌ای زنان"

"زنان چگونه می‌توانند نقش فعال خود را در عمل بازتاب داده و عرصه‌های فعالیت آنان کجاست؟" سرفصل‌هایی بودند که برای سمینار آتی در شهر "هانوفر" آلمان، به تصویب رسیدند.

سهم زنان ...

خدمات اجتماعی و پناهندگی

از صفحه ۱۱ یا در مراکز بکار گماشته می‌شوند. ادارات مربوط به استخدامی ادعا می‌کنند، که مهاجرین مقیم در این کشور دارای مدرک کافی و یا قابل اعتبار نیستند و در نتیجه صلاحیت و تخصص لازم کاری را ندارند. که این توجیهی بیش نیست. به همین خاطر بسیاری از مهاجرین زن روی به مشاغل می‌آورند که به هیچوجه شایسته آنان نیست و چون ورود به بازار کار برای آنان تقریباً غیر ممکن است اتوماتیک وار به مشاغل چون، کار در دیسکو به عنوان رقاصه و ... روی می‌آورند.

زنان مهاجر دارای وضعیت کاری نامناسب، نامطمئن و بدون چشم اندازند. بنابراین بدلیل انعطاف پذیری در بازار کار، میزان تقاضای کار برای زنانی که از شرق و جنوب اروپا می‌آیند بیشتر است ولی این بدین معنا نیست که زنانی که از این کشورها می‌آیند از نظر شغلی دارای تجربه و صلاحیت بالاتری هستند، بلکه در صورت استخدام اینگونه زنان مهاجر کارفرمایان قدرت مانور بیشتری برای تعویض آنان را دارند. با این تفاسیر یک زن مهاجر بیش از یک مرد

مهاجر باید انرژی جسمی و روحی صرف کند تا جامعه‌ای بنام وطن دوم که در آن زندگی می‌کند، او را به عنوان عضو بپذیرد. زنان مهاجری که بطور قاچاق وارد کشورهای میزبان می‌شوند، سعی می‌کنند از طریق ازدواج با مردهای بومی شانس برای اقامت دائم و جذاب سریعتر در بازار کار بدست آورند که اینگونه ازدواج‌ها چون ناشی از ناچاری و مصلحتی است و بدون عشق و علاقه و یا عدم شناخت قبلی صورت می‌گیرد، وابستگی شدید و زیاد زنان نسبت به مردان را ایجاد کرده و اکثر این نوع ازدواج‌ها منجر به شکست می‌گردد که دست آورد آن آسیب روحی زیادی برای زنان است. در این نوع ازدواج‌ها، اگر زنان مهاجر اختلاف خانوادگی داشته باشند، حق جدا شدن از همسر خود را ندارند، چونکه در این صورت مسئله اقامت آنها بی اعتبار می‌شود، حتی اگر چهار سال و شش ماه از زمان اقامت خویش را در کشور فعلی پشت سر گذاشته باشند. آمار خانه زنان (خانه امن برای زنان) به خوبی نشان می‌دهد، که اکثر زنانی که به این خانه‌ها روی می‌آورند، زنان مهاجری هستند که از سوی همسران به اصطلاح بومی خود از نظر جسمی و روحی مورد اذیت و آزار قرار می‌گیرند. زنان مهاجری که دارای هیچ‌گونه اقامتی نیستند، شرایط سخت زندگی آنها راهی برای آنان باقی نمیگذارد جز تن دادن به

مشاغل طاقت فرسا و سخت با مزد بسیار ناچیز و یا حرفه‌ای مانند خودفروشی و یا کار در بارها و امثالهم. بنابراین اینگونه زنان بخاطر نداشتن مجوز اقامت قانونی، و ترس و وحشت از مواجه شدن با پلیس و خطر دیپورت بطور دائم در اضطراب و دلهره بسر می‌برند و از طرفی هیچ امکان و یا شانس برای ورود به جامعه، یادگیری زبان بیگانه، ورود به بازار کار، تحصیل و یا رشد و ارتقاء خود را ندارند. تازه این در حالی است که یکی از احزاب قوی و دست راستی سوئیس بنام (اس فاو پ) در تاریخ ۲۴ نوامبر ۲۰۰۲ لایحه‌ای را به رای گیری و تصویب می‌گذارد، که در صورت موفق شدن این حزب تعداد زیادی از مهاجرین را دولت بطور رسمی و کاملاً راحت از صحنه بیرون خواهد کرد. تحت این بهانه، که دست قاچاقچیان مواد مخدر را از مرزهای سوئیس کوتاه خواهد کرد. در واقع دولتهای اروپایی و ظاهراً طرفدار صلح و بشر دوست هر موقع ببینند که یا بازار کار اشباع شده و یا با دولی چون ایران در حال معامله و یا بستن قرار دادهای مهم نفتی و یا فروش اسلحه و ... باشند، بطور همزمان و یکشبه تصمیم به پاکسازی مهاجرین می‌گیرند، دیروز تحت عنوان تروریست، امروز تحت عنوان مبارزه با باندهای مواد مخدر و فردا بنام ...

نوامبر ۲۰۰۲